

احوال و آثار استاد مهدي فروزنده هنرمندی از ديار اصفهان

كاوه تيموري

سال شمار زندگي نامه

- تولد ۱۳۳۱/۱/۴، محله «قلعه طبره» اصفهان
- تحصيل در دبستان برزگران مبارکه
- حضور در کلاس استاد فضائي ۴۵-۱۳۴۲
- عزيتم به تهران در سال ۱۳۵۳ و تحصيل در مرکز انستيتو هنري
- حضور در کلاس استاد حسين ميرخاني ۵۴-۱۳۵۳ تهران
- دريافت گواهي نامه ممتاز ۱۳
- مدرس انجمن خوش نويسان اصفهان از سال ۱۳۶۰ تاکنون
- اولين نمايشگاه انفرادي ۱۳۷۲
- کتابت ديوان الفت اصفهاني ۱۳۶۴
- کتابت ديوان حافظ از سال ۱۳۷۰ به بعد چهار نوبت
- کتابت گلستان سعدي ۱۳۸۸
- اخذ مرحله استادي ۱۳
- سرپرست انجمن خوش نويسان اصفهان از سال ۱۳۷۶ تاکنون
- عضويت در شوراي عالي انجمن خوش نويسان ايران

مقدمه

استمرار در هنر و دل سپردن به آن یکی از راه‌های اصلی بالندگی و شکوفایی هنرمند است. تمرکز جدی معلمان گرامی در رشته مورد علاقه و سه دهه به‌سر بردن با لطایف و ظرافت هنری، نتایجی ثمرآفرین و اثرگذار برای دانش‌آموزان و دانشجویان به دنبال دارد. در عرصهٔ تعلیم و تربیت هنری بسیاری از همکاران هنر در زمرة طی‌کردگان این شیوة ارزشمند به‌شمار می‌آیند. این بار به سراغ هنرمندی از دیار هنرپرور اصفهان رفتیم. شهری که موزة مجسم هنرهای تزیینی و صنایع‌دستی بوده و خاک و آب هنرمندپرور آن نهال‌های بالنده و درختان تنومند هنر را صفا و طراوتی دیگر بخشیده است. استاد مهدی فروزنده، معلم و مدرس سخت‌کوش مدارس و مراکز تربیت‌معلم است که سه دهه تدریس هنر را به شاگردان خود عهده‌دار بوده و با اینکه در سال ۱۳۸۰ به افتخار بازنشستگی نائل شده است، همچنان تدریس در مراکز ضمن خدمت و تربیت‌معلم و کلاس‌های آزاد را فعالانه دنبال می‌کند. برای آشنایی با تجارب این معلم هنر با تجربه، شما را به خواندن این نوشتار دعوت می‌کنیم.

* زمینه اجتماعی

مهدی فروزنده سومین فرزند از خانواده‌ای هفت فرزند است و دو خواهر و پنج برادر دارد. وی در ۱۳۳۱/۱/۴ در یکی از محله‌های قدیمی اصفهان به نام «قلعه طبره» متولد شد. اصفهانی‌های امروز می‌دانند که این محله اکنون در مرکز شهر و در نزدیکی‌های میدان امام^(ع) قرار گرفته است. فروزنده تنها خاطره‌ای را که از آنجا در ذهنش باقی است، این‌گونه بیان می‌کند:

«در این محل خندق بزرگی بود که در آن زمان می‌گفتند مخفی‌گاه اسلحه بوده است.»^۱

پدرش (نادر فروزنده) و مادر مهدی هر دو معلم دورهٔ ابتدایی بودند و بعدها خود او و خواهران و برادرانش نیز به این شغل شریف گرایش پیدا کردند. به تناسب شغل پدر و مادر، خانوادهٔ مهدی همراه آن‌ها به «مبارک اصفهان» هجرت کردند. مبارک در شصت کیلومتری اصفهان بود و بخشی از خدمت پدر و مادرش و البته حیات فرهنگی او در آنجا سپری شد. همین امر باعث شد که تا سال ششم ابتدایی در همان مبارک درس بخواند. سپس به همراه خانواده به اصفهان بازگشت.

* گرایش به هنر

اولین رگه‌های رشد حس زیباشناختی را مادرش در وجود مهدی شعله‌ور کرد: «دورهٔ ابتدایی را در مبارک اصفهان و در «مدرسهٔ برزگران» که یک تکیه و در اختیار اوقاف بود درس می‌خواندم. یادم هست که تصویر سگی را کشیده بودم و با برش آن را بر مقوایی چسبانده بودم. مادرم این تصویر را روی طاقچه خانه‌مان گذاشته بود. من در آن زمان در میان برادرانم حس خاصی داشتم که کار من روی طاقچه قرار گرفته است.»^۲ این احساس تا زمانی بود که او با خانواده دوباره به اصفهان بازگشت. در سال‌های آغازین دههٔ ۱۳۴۰ شهر اصفهان به لحاظ بروز پدیده‌های تازه در محیط شهری مثل ورود آسفالت و سینما پوست‌اندازی تازه‌ای را تجربه می‌کرد. برخورد مهدی با دستاوردهای این دو پدیدهٔ نوظهور در خور

کلیدواژه‌ها: تلاش و سلوک هنری، تعلیم و آموزش هنر، دستاوردها

توجه است. از یک طرف تبلیغات و آگهی فیلم‌ها بر پرده سینما روی او اثر گذاشته بود و از طرف دیگر، به دنبال صفحه مشق بزرگی بود که بتواند آن تأثیرات را بازسازی کند:

«کوچه ما را تازه آسفالت کرده بودند. من به تقلید از سینمایی که در میدان امام بود و تبلیغات فیلم‌ها را روی پرده آن می‌نوشتند، روی آسفالت چیزهایی می‌نوشتم. در آن زمان تقلید از آن خطوط برابم آسان بود.»^۲

* گرایش به خط

همیشه حضور چهره‌های اثرگذار در هنر هر منطقه دارای برکات و حسنات بوده است. استاد حبیب‌الله فضائلی (۱۳۰۲ - ۱۳۷۷) خوش‌نویس مهمی بود که در اصفهان نسل‌های پرشماری فرصت شاگردی او را پیدا کردند. از آنجا که او معلم تخصصی خط بود، به‌طور مداوم با دانش‌آموزان زیادی مواجه می‌شد. برای مهدی فروزنده نیز توفیقی بود که بتواند در دبیرستان شاگرد استاد فضائلی باشد:

«تا اینکه جرقه خط در زمانی که ما رفتیم کلاس اول، دوم و سوم دبیرستان زده شد. در سال اول (۱۳۴۲) مرحوم استاد فضائلی معلم خط ما بودند. ایشان سه سال سیکل اول معلم کلاس خط ما بودند. من یادم هست که ما فقط دست ایشان را می‌دیدیم و کارمان را انجام می‌دادیم. وقتی به ایشان نمونه خط را نشان می‌دادیم نمره خوب هم می‌دادند. آشنایی ما از اینجا شروع شد.»^۱

استاد فضائلی از گنجینه اشعار پندآموز سعدی همواره در کلاس می‌نوشت. لذا در نخستین سرمشق برای فروزنده درس حکمت‌آمیزی را یادآوری کرد:

یار ناپایدار دوست مدار!

فروزنده در آن زمان و در آن لحظات، بنیان اولیه خط خود را پایه‌گذاری می‌کرد و می‌دید که استاد فضائلی چگونه با وارد کردن فشار بسیار کمی به گچ، خطوط را روی تخته کلاس نقش می‌زند. با اینکه بچه‌های کلاس به خط نسبت به سایر دروس کمتر اهمیت می‌دادند، او با تمام وجود

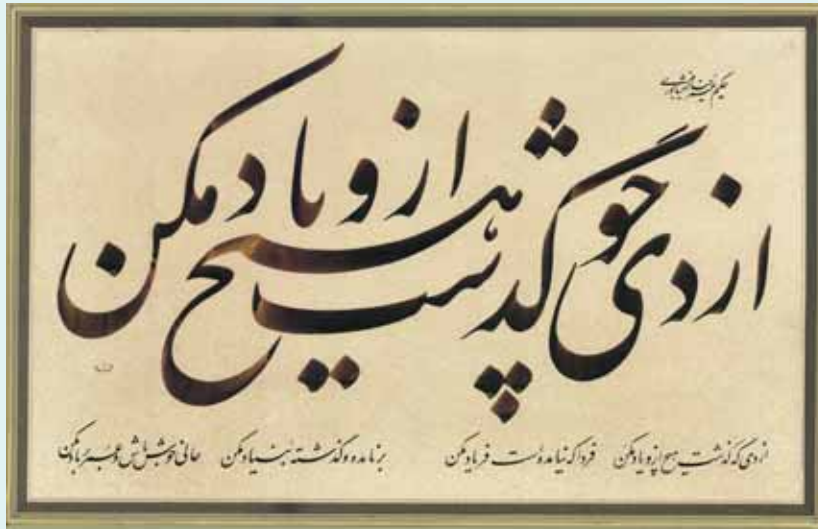
نحوه حرکت دست استاد فضائلی را می‌نگریست و اکنون پس از گذشت نزدیک به نیم‌قرن این حرکت در صفحه ذهن او ثبت شده است. او تأثیر استاد فضائلی را چنین بیان می‌کند:

«تأثیرش این بود که همیشه و حتی الان هم حرکت دست ایشان را که روی تابلو می‌نوشتند، به‌خاطر می‌آورم و برای من الهام‌بخش است.»^۵ فروزنده در سال ۱۳۴۹-۵۰ موفق به اخذ دیپلم طبیعی شد. در دوره سربازی به دلیل بهره‌مندی از خط خوش و نقاشی کارهای مورد نیاز را انجام می‌داد. در سال ۱۳۵۲ به نجف‌آباد اصفهان رفت و به شکل رسمی، شغل پدر و مادر خویش را برگزید. او معلم دوره ابتدایی شده بود و خط و نقاشی را به‌عنوان هنرهای مورد علاقه‌اش دنبال می‌کرد.

* عزیمت به تهران

با شکل‌گیری «انستیتو امور هنری» در تهران ضرورت داشت که از میان معلمان دوره ابتدایی واجدین شرایط تحصیل در این مرکز هنری انتخاب شوند. فروزنده با پشت سر گذاشتن آزمون این مرکز هنری در سال ۵۴-۵۳ عازم تهران شد. در آنجا نیز اتفاقات جذابی رخ داد که باعث شد او به کلاس استاد سیدحسین میرخانی در انجمن خوش‌نویسان راه یابد. پیوستن او به انجمن نیز در نتیجه اطلاع‌رسانی یکی از مدرسان ایشان اتفاق افتاده است.

«در سال ۱۳۵۳ که از آن به بعد به تهران عزیمت کردم و ماندگار شدم، مرکز تحصیل من خیابان سمنان در «انستیتو امور هنری» بود که بعدها به دانشگاه هنر تبدیل شد. یکی از استادان در آنجا آقای قطبی بودند که وقتی به کلاس آمدند دفتری به ما دادند که تمرین کنیم. بعد از تعلیم، استاد آمدند به کار بچه‌ها و کار من - که متنی را دو خطه کار کرده بودم - نگاهی انداختند. همان لحظه گفتند که به انجمن خوش‌نویسان بروید. در آنجا اگر خطی را که می‌نویسید غلطی داشته باشد، غلط‌گیری هم می‌کنند، از آن روز به بعد انگار خط در وجود من جای گرفت و شیفته کامل



قطعه نستعلیق، خط محمد علی فروزنده

شدم. همان روز به آنجا رفتم و ثبت‌نام کردم. متصدی انجمن که در آن روزگار استاد سیدعلی حسینی پور بود، مرا در کلاس استاد سیدحسین میرخانی ثبت‌نام کرد و این اتفاق در سال ۵۴ بود. آقای دماوندی و آقای آجلی هم بودند که آقای آجلی شاگرد استاد حسن میرخانی بودند. در اولین سرمشق استاد حسین برایم نوشت:

مرا پیر دانای مرشد شهاب دو اندرز فرمود بر روی آب

سال بعد هم باز رفتم به انجمن. در سال ۵۶-۵۵ مرحله «خوش» را امتحان دادم و «عالی» را قبول شدم و بعد به مرحله «ممتاز» رفتم. من حدود ۷۰ تا ۸۰ سرمشق از استاد حسین میرخانی گرفتم.^۶ فروزنده از لحظات خوش کلاس استاد حسین و حسن خلق ایشان به نیکی یاد می‌کند و درباره شیفتگی خود در کلاس این چنین می‌گوید:

«از زمانی که نگارش سرمشق را توسط استاد می‌دیدم و از ایشان آن را تحویل می‌گرفتم، بی‌اختیار در فاصله کلاس تا منزل با دقت تمام به آن چشم می‌دوختم.»^۷

نکته جالب این است همان شیفتگی و دلبستگی که فروزنده جوان به سرمشق استاد حسین میرخانی در ایام درس‌آموزی در محضر ایشان داشت، با فاصله یک دهه برای خود او ولی این بار توسط شاگردانش تکرار شد.

احمد احمدی یکی از شاگردان فروزنده است که با تحمل رنج و دوری راه، خود را از نجف‌آباد به

کلاس خط فروزنده در اصفهان می‌رساند. خاطرات او از کلاس استاد فروزنده هنوز برایش تازگی دارد:

«کلاس استاد فروزنده سرزنده و بشاش بود و ایشان با لحن و صدای رسا تدریس می‌کرد. اولین سرمشقی که استاد برایم نوشت این مصرع حافظ بود:

که هر چه ساقی ما ریخت عین الطاف است

در بازگشت از کلاس در مسیر سی کیلومتری اصفهان تا نجف‌آباد فقط سرمشق‌های استاد فروزنده را می‌دیدم و به محض رسیدن به منزل تا صبحگاهان خط می‌نوشتیم.»^۸

به قول شیخ‌بهایی که «هر دست که دادی به همان دست بگیری» اجر آن عشق‌ورزی اولیه فروزنده در کلاس استاد حسین، رسیدن به این منزلت ثانویه در کلاس خودش بود. خوشبختانه تا این زمان (۱۳۹۴) هنوز این شوق و اقبال در فروزنده فروکش نکرده است.

علی خیری، خوش‌نویس و از شاگردان استاد فروزنده درباره او می‌گوید:

«ایشان در ساعات کلاس ویژگی وقت‌شناسی و نظم خاص در تدریس را با هم داشتند. در حین تدریس برای بچه‌ها وقت می‌گذاشتند. کلاس ایشان هیچ‌گاه تعطیل نمی‌شد و هم‌اکنون هم این‌گونه است. در جریان کار نکات لازم را به‌خوبی یادآوری می‌کردند و هرگز ندیدیم سرسری از موارد عبور کنند. وقتی در کار هنرجویان نقاط قوتی می‌دیدند،

از زمانی که نگارش
سرمشق را توسط
استاد می‌دیدم و از
ایشان آن را تحویل
می‌گرفتم، بی‌اختیار
در فاصله کلاس تا
منزل با دقت تمام به
آن چشم می‌دوختم.

به قول شیخ بهایی که «هر دست که دادی به همان دست بگیری» اجر آن عشق‌ورزی اولیه فروزنده در کلاس استاد حسین، رسیدن به این منزلت ثانویه در کلاس خودش بود

برای تشویق آن‌ها آثارشان را به هنرجویان سایر کلاس‌ها به خوبی معرفی می‌کردند. این کار برای من تشویقی بود که انگیزه‌ام را مضاعف می‌کرد. از نظر فنی ایشان همواره تجربه‌های ارزنده خود را به بچه‌ها یادآوری می‌کردند و تأکید داشتند که باید از وادی تقلید بیرون آمد و در خط به شخصیت مستقل رسید. این توصیه ایشان در من اثر خوبی گذاشت؛ به گونه‌ای که امروز با استفاده از روش قدما و معاصران به شیوه تلفیقی رو آورده‌ام. وجه هنری کارهای استاد فروزنده حضور فعال و جدی در خط و تداوم در نگارش قطعات قوی و فاخر است. در خطوط ایشان همواره نمک و جوهره اصلی خودشان دیده می‌شود و ضمن توانایی در همه اقلام، قلم کتیبه ایشان بسیار محکم و اثرگذار بوده است. بارها با دیدن آثار کتیبه‌ای ایشان به ذوق آمده‌ام. استاد فروزنده با شاگردان خود روابط صمیمانه‌ای را حفظ کرده‌اند و همواره پیگیر کارهای هنری آن‌ها هستند و به‌طور خاص این رابطه صمیمی بین ایشان و بنده همیشه برقرار بوده است.»^۱

بعد از این آموزش‌ها، میل و علاقه فروزنده به خوش‌نویسی بیشتر شد و نقاشی را در حدود نیازهای کلاس درس هنر دنبال کرد. فروزنده پس از طی دوره تحصیلی در سال ۱۳۵۷ به اصفهان بازگشت تا به‌عنوان دبیر هنر به خدمت خود ادامه دهد. دوره جدی برای فروزنده در واقع پس از انقلاب بود؛ زیرا داشتن سرمایه‌ای از خط و رسیدن به مرحله آموزش این هنر این فرصت را برای او فراهم کرده بود. سال‌های پس از انقلاب سال‌هایی بود که گرایش به خط و خوش‌نویسی فزونی گرفته بود و این نکته شامل حال فروزنده جوان نیز بود. او از طریق این بنیه اولیه هنری فرصت یافت که برای تعلیم به کلاس‌های انجمن خوش‌نویسان و دوره‌های ضمن خدمت و مراکز تربیت‌معلم راه پیدا کند. خودش فراز و فرود موضوع را این‌چنین بیان کرده است:

«در سال ۱۳۵۷ دوباره به اصفهان آمدم. مشغول کار و دبیر هنر شدم. من آن زمان خط را خیلی جدی تدریس می‌کردم. بعد انقلاب شد و برای ما آموزش ضمن خدمت گذاشتند

که من ضمن خدمت را رفتم. بعد آنجا دیگر به جای استاد هادوی می‌رفتم تدریس. البته اول ایشان را نمی‌شناختم بعد با هم آشنا و دوست شدیم. ایشان کتابی چاپ کردند که مجموعه‌ای از کار شعرا و خطاطان بود و کتاب قطوری بود. از آن سال، دیگر در تربیت‌معلم برای همه رشته‌ها تدریس خط با من بود. در آن زمان به دانشگاه هنر هم دعوت می‌شدم و دانشگاه هنر هم می‌رفتم. چندسالی هم به‌عنوان خطاط به آموزش و پرورش می‌رفتم. من سال ۵۱ استخدام شدم. دو سال هم قبلش سپاه دانش داشتم و سال ۱۳۸۰ بازنشسته شدم. سال‌هایی که راهنمایی تدریس می‌کردم، سرمشق می‌دادم و سرمشق‌های مرا می‌بردند. بعد موقعی که من به تربیت‌معلم رفتم در مدرسه دانش‌آموزان بدون معلم بودند. این‌ها رفتند نزد آقای استاد شمس‌الدین حسینی که در چهارباغ دفتری زده بود. این بچه‌ها هم پیش ایشان رفتند. در کلاس خصوصی، آقای حسینی خط‌ها و سرمشق‌های مرا دیده بود و خیلی خوششان آمده بود. بعد از آنجا با بنده آشنا شدند. در زمانی ایشان به دیدن بنده آمد که من نبودم. یادداشتی برای من گذاشتند که ما کلاس‌هایی را تحت عنوان انجمن دایر کنیم. در یکی از شب‌ها به دفتر ایشان برای آشنایی بیشتر رفتم. ایشان خیلی خوشحال شدند و تشویق کردند. بعد بنده را به دفتر آقای علی شیرازی بردند. آنجا بود که با ایشان آشنا شدیم. بعد آمدم با آقای شیرازی، مرحوم استاد معین و مرحوم فضائلی اولین دوره کلاس را برای انجمن برگزار و در کتابخانه‌های اصفهان کلاس‌های خط را دایر کردیم. در سال ۶۰-۵۹ آمدم در یک ساختمان قدیمی که مال یک تاجر معروف بود و از طرف میراث فرهنگی در اختیار ما قرار گرفته بود. در آن موقع، تابلوی سر در آنجا را نوشتیم و البته در تهران به توصیه آقای فطمی تابلوی انستیتو هنری را هم من نوشتیم. در آن سال‌ها آن‌قدر هنرجو داشتیم که آن ساختمان جوابگو نبود. ما رفتیم به اداره اوقاف و ساختمانی را اجاره کردیم؛ البته به خاطر آشنایی که آقای فضائلی داشتند. این در سال ۶۴-۶۳ بود. در آن سال‌ها بود که کنگره شعر و ادب در هتل شاه‌عباسی اصفهان برگزار شد و ما



چلیبای نستعلیق، محمد علی فروزنده، ۱۲۸۵

تازه به این ساختمان آمده بودیم. ده سال در این ساختمان بودیم و خیلی هم رونق پیدا کرده بود. در همین سال‌ها هم من چند تا نمایشگاه زده بودم و به سال هفتاد که رسید، ۳-۴ بار دیوان حافظ را نوشتم. یک دوره هم در همان ساختمان عبدالرزاق سرپرست انجمن خوش‌نویسان بودم. بعد از اینکه آقای حسینی رفتند شهرگرد، آقای فضالی برای بنده حکمی نوشتند که من سرپرست شدم. بعد هم نیز مدتی آقای فضالی [سرپرست] شدند. بعد هم دو دوره دو ساله آقای عطریان [سرپرست] شدند. از سال ۱۳۷۶ تاکنون بنده همچنان سرپرست انجمن بوده‌ام.^{۱۰}

بررسی آثار

الف: کتابت‌ها

به همین سان فروزنده از سال ۴-۱۳۶۳ نشان داد که برای کتابت اراده و دستی ورزیده دارد. در عرصه کتابت، توانایی مجموعه‌نویسی و نگارش صفحات طولانی مزیت نسبی خوش‌نویس در مقایسه با دیگران به‌شمار می‌رود. شماری از اهل خط همواره از نشان دادن کتابت‌های اولیه خود پروا دارند. اینان این نگرانی را دارند که مبدا مبنای قضاوت بینندگان و اهالی خوش‌نویسی، آثار اولیه کاتب باشد و وی نمره لازم را از دیده‌های تیزبین دریافت نکند. واقعیت این است که اهل نقد و نظر فقط با دیدن مجموعه‌ای از کتاب‌ها می‌توانند درست ارزیابی کنند. مطالعه سیر منطقی و رشد تدریجی خوش‌نویس به‌خوبی نشان می‌دهد که او با نگاهی پویا و جوینده، کار خود را ارتقا می‌بخشد یا به عبارتی درجا نمی‌زند. بنابراین، کارهای اولیه گرچه می‌توانند از عیار زیباشناختی بالایی برخوردار باشند، در مقایسه با کارهای بعدی مؤید تلاش قابل توجه خوش‌نویس خواهند بود. اولین کتابت فروزنده دیوان الفت اصفهانی است که ۳۹۵ صفحه کتابت را در بر می‌گیرد و این امتیاز را دارد که در آینده آن مقایسه با سایر آثار استاد فروزنده رشد کیفی کتابت او را نمایان می‌سازد. این کتابت اولیه در نگارش چهاربار دیوان حافظ در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵ کمال‌یافتگی و ظرافت بیشتری پیدا کرده است. به‌طور معمول، تشویق‌های اثرگذار

می‌توانست پیوستار و زنجیره کتابت استاد فروزنده را تکمیل کند اما در دهه شصت و هفتاد مراکز حمایت‌کننده اصولاً در جنبه شماری خاص از افراد قرار گرفت که فرصت سفارش دادن به هنرمندانی مثل استاد فروزنده به ورطه فراموشی سفارش‌دهندگان می‌افتاد. در این بخش به بررسی آثار او می‌پردازیم.

- رسم‌المشق شامل سرمشق‌های خوش‌نویسی (۱۳۶۰)

- دیوان الفت اصفهانی، ۳۹۵ صفحه، کتابت در سال ۱۳۶۴ و چاپ در سال ۱۳۷۹

- نگارش دیوان حافظ به تصحیح خانلری، ۴۸۶ صفحه قطع وزیری، ۱۳۷۰، نشر یساولی

- نگارش دیوان حافظ به تصحیح خانلری (۱۳۷۱) چاپ نشده

- نگارش دیوان حافظ به تصحیح قزوینی - غنی (۱۳۷۲) نشر یساولی و چاپ در اندازه‌های وزیری و جیبی. این کتاب تاکنون ۱۲ بار تجدید چاپ شده است.

- نگارش دیوان حافظ به تصحیح قزوینی - غنی (۱۳۷۳)، چاپ نشده

- نگارش گلستان سعدی، ۳۰۰ صفحه (۱۳۹۳) زیر چاپ توسط نشر یساولی

- نگارش رباعیات خیام، ۱۸۰ صفحه (۱۳۸۸) زیر چاپ.

- نگارش رباعیات خیام، ۱۸۰ صفحه (۱۳۸۸) زیر چاپ.

اهتمام فروزنده از کتابت تا کتیبه درسی برای



ترکیب‌بندی نستعلیق، محمدعلی فروزنده، ۱۳۷۷

خوش‌نویسان جوان است. در مواردی هنگامی که از خوش‌نویسان در مورد کتاب‌هایشان پرسیده می‌شود، به سرعت می‌گویند: «من کاتب نیستم!» حال اینکه باید پاسخ داد آیا خوش‌نویس بدون کتابت، سلوک خوش‌نویسانه‌اش کامل است یا اینکه صرف‌گنده‌نویسی و کارهای نمایشگاهی بزرگ که در خیلی از موارد، در آنها حق زیباشناسی کلمات و ترکیبات به‌خوبی ادا نشده است، کفایت می‌کند؟ استاد فروزنده و شماری دیگر از خوش‌نویسان که به این جامعیت در خط عنایت دارند، می‌توانند به‌عنوان الگو مورد توجه قرار گیرند. دلیل این نکته این است که خوش‌نویس در یک سیر طبیعی و جست‌وجوگرانه از کتابت به کتیبه می‌رسد و اگر بعدها هر کس قلم تخصصی خود را بازیابی کند، نافی این تلاش برای جامعیت در خط نیست.

افزون بر این فروزنده در آماده‌سازی و به چاپ سپاری کتاب «قلمرو خط» که شامل آثار برگزیده خوش‌نویسان اصفهان می‌باشد، اهتمام و نظارت داشته است.

ایشان چهارده نمایشگاه انفرادی را در کارنامه خود دارد که آخرین آن مربوط به سال ۱۳۹۲ است. در اولین نمایشگاه، اندرزه‌های فردوسی را با خط درشت روی کاغذهای دیواری نوشت که مورد توجه و اقبال قرار گرفت. او در مسابقات خارج از کشور نیز بی‌توفیق نبوده است. مقام دوم برای نگارش «قصیده برده» در جشنواره خوش‌نویسی ابوظیبی و توفیق در مسابقات ارسیکا (ترکیه) از افتخارات برون‌مرزی اوست.

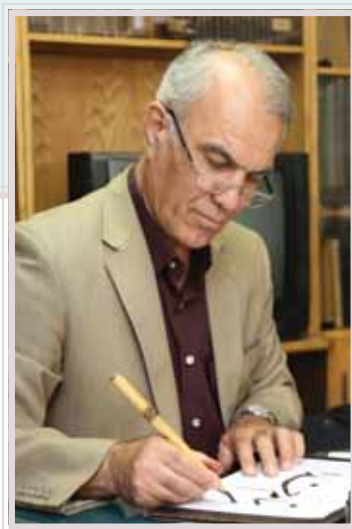
ب: بررسی تحلیلی و فنی آثار

فروزنده نستعلیق سالم، روان و بی‌تکلفی را ارائه می‌دهد. او در همه اقلام، هنرورزی و تجربه‌آزمایی داشته است و تمام اقلام کتابت تا پارویی را

به‌خوبی و زیبایی می‌نویسد. به‌طور معمول، در بین خوش‌نویسان دسته محدودی وجود دارند که از کتابت تا کتیبه بتوانند ارزش‌های زیباشناسانه خط نستعلیق را در روی کاغذ نمایان سازند. انصافاً مهدی فروزنده در این مورد جهد و کوشش قابل‌تحسینی از خود نشان داده و برآیند زیباشناختی خطوط در همه اقلام این نکته را به‌خوبی برملا می‌کند. در چیدمان کلمات و حروف، خواننده تیزبین به‌ندرت می‌تواند لغزش و سستی‌ای در آثار وی ببیند؛ زیرا اهتمام جدی فروزنده که در پاکیزه‌نویسی است وقتی با وسواس و دقت لازم در اجرا همراه می‌شود اثری دلنشین براساس محاسبات طبیعی و بی‌تکلف فراهم می‌کند. خطش پر هندسه و قانونمند است. در چلیپاهایی که به نگارش او دیده می‌شود، چهار کشیده مستقیم و چهار کشیده مضاعف به تکرار درمی‌آیند و کلیتی متوازن را شکل می‌دهند.

* ایجاد تغییرات متناسب با نیاز زمان

فروزنده با توجه به جشنواره‌ها و مسابقات خوش‌نویسی ارسیکا سعی کرده است دست و قلم خود را آماده و روزآمد نگه دارد. نزدیک به یک دهه است که این مسابقات با توجه به جوایز مادی قابل‌توجه، نظر خوش‌نویسان معاصر ایران را به خود جلب کرده است. وجه غالب در این جشنواره‌ها توجه بیشتر به شیوه میرعماد الحسنی (۱۰۲۴-۹۶۱ هـ.ق) و میرزا غلامرضا (۱۳۱۰-۱۳۴۵ هـ.ق) است. به همین دلیل، خوش‌نویسان معاصر ایران نیز برای تأمین رضایت داوران به آزمون‌هایی دست می‌زنند و با ورود به دنیای خط میرعماد و آثار قدما دست و قلم خود را با آنها هماهنگ می‌کنند. بخشی از تلاش استاد فروزنده در یک دهه گذشته تمرکز جدی بر آثار میرعماد است. با این نگاه نیز خوشبختانه با مقلد صرف آثار میرعماد روبه‌رو نیستیم. به این ترتیب، در یک دهه گذشته استاد فروزنده به تأسی از نهضت قدیم‌نویسان به شیوه میرعماد روی آورده است و هم‌اکنون این توانایی را دارد که با ایجاد ظرافت و



نازکی و تیزی حال و هوای آثار میرعماد را در آثار خود حاضر کند. این نکته نشان می‌دهد که فروزنده بحث مطالعه و درک افق‌های تازه در خوش‌نویسی را در درون خود تازه و زنده نگه داشته است. فروزنده در اقلام چلیپای دو دانگ با مهارت

«شمره‌های دواپر»، «دم‌های میم» و «مؤلفه‌ها و سرکش‌ها» را به نازکی و ظرافت نزدیک می‌کند. در اجرای کشیده‌های مسطح و مدور نیز کلمات را با استحکام به اجرا درمی‌آورد. به همین دلیل، در این اندازه از قلم بیننده دقیق می‌تواند تلفیقی از «قدمت و معاصرت» را در اثر خوش‌نویسانه بنگرد. با این حال، او واقف است که با بزرگ‌تر کردن قلم، تمام زیبایی‌های خط به شیوه قدمما و به‌طور خاص میرعماد الحسنی نمایان نمی‌شود. به همین دلیل، در قلم مشقی چهاردانگ به بالا کم‌کم شاهد آنیم که او از آنچه در قلم چلیپای دو دانگ اجرا می‌کند با آگاهی لازم فاصله می‌گیرد. در این دست از آثار، حال و هوای کارش رنگ و بوی معاصران را پیدا می‌کند. با این حال، در برخی از قطعات استاد فروزنده می‌توان جمع بین گرایش به شیوه قدیم و شیوه معاصر را با هم تماشا کرد. از نظرگاه فنی، این دسته از آثار استاد فروزنده دارای جذابیت بالا و واجد ارزش‌های زیبایی‌شناختی خط نستعلیق است.

❁ شیوه تلفیقی

نظام خوش‌نویسانه استاد فروزنده در ده سال گذشته راه تکامل و جامعیت را طی کرده است. خط ایشان مؤید شیوه مستقل و شناخته‌شده‌ای است که از ترکیب و تلفیق خطوط طراز اول معاصران همراه با چاشنی و حسن اقتباس از کار قدمما قوام یافته است. در ترکیب‌بندی‌ها یا مقطع‌نگاری‌های بزرگ با

کاربرد اقلام مختلف و درهم‌آمیزی آن‌ها قطعه‌ای محکم و منسجم شکل می‌گیرد. صعودهای پرمربک و قوی در مؤلفه‌ها و به‌کار بستن کشیده‌های مضاعف چهره‌ای پر و پیمان از مواصلات و اجزاء نستعلیق شکل می‌دهد که بیشترین کاربرد آن را در پوستر نوشته‌های بزرگ میسر می‌سازد.

فروزنده به همین ترتیب که در اقلام مختلف تسلط دارد، در قالب‌های گوناگون کتابت، چلیپا، نستعلیق دفتری، سیاه‌مشق‌های خوش‌رنگ و قلم پارویی ذوق‌آزمایی و تجربه‌اندوزی کرده است. مهم این است که آثار او در هر کدام از این اقلام یا قالب‌ها از معدل زیباشناختی بالایی برخوردار است و قطعه ضعیف در کارهای او دیده نمی‌شود.

❁ شاهکار فاخر فروزنده

با این حال، استاد مهدی فروزنده در یکی از آثار پرمعنای خود در اوج هنرنمایی ایستاده است. این قطعه قبل از آنکه نمایی از تبخیر خوش‌نویس باشد، بازتاب صفای درون و ارادت ویژه او به پنج تن آل عبا - علیهم‌السلام - است.

دو قطعه فاخر اسامی پنج تن آل عبا با قلم سه‌سانتی (۱۳۷۷) و دوسانته (۱۳۹۳) یکی از شاهکارهای شناخته‌شده خوش‌نویسی معاصر به‌شمار می‌آید. در این دو قطعه، فروزنده با تنظیم دور قلم و به‌منظور ادای دین به این پنج نور پاک علیهم‌السلام - ترکیب و چیدمان هنرمندانه‌ای را شکل داده است. فضاهای بینابینی در این اثر دارای تعادل و توازن است و مطالعه هر کدام از حروف و کلمات نگارش‌شده نشان می‌دهد که قلم فروزنده از قوت و استحکام لازم در آغاز و انجام آن‌ها برخوردار بوده است. این کلمات بسیار ایده‌آل و آرمانی نوشته شده‌اند. با این حال، ارزش این اثر در تلاقی حروف و کلمات و شکل‌بندی نهایی اثر تحقق یافته است. این اثر ارزشمند در قالب پوستر

خوش‌نویس در
یک سیر طبیعی
وجست و جوگرانه
از کتابت به کتیبه
می‌رسد و اگر بعدها
هر کس قلم تخصصی
خود را بازیابی کند،
نافی این تلاش برای
جامعیت در خط
نیست

جدول مختصات فنی در خوش‌نویسی استاد مهدی فروزنده

متوسط	میدان قلم
مورب	شیب قلم
متوسط	فرم‌شناسی دست
کتابت تا کتیبه	کانون قلم
تلفیقی (استاد فضائلی + استاد حسین میرخانی + میرعماد الحسنی)	سبک‌شناسی
اهتمام در رونق و دوام خوش‌نویسی اصفهان	کار ویژه

بار کامل و یک بار نیز نیمه‌کاره نوشته است.

✱ مضامین

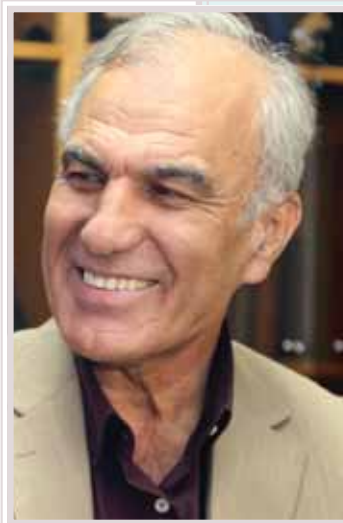
ذهن معنی‌یاب فروزنده موجب شده است که تابلوها و سرمشق‌هایش از اصالت معنایی لازم برخوردار باشند. این نکته ناشی از انس دمامدم او با سرمایه‌های ادب فارسی و توانایی در خوشه‌چینی و انتخاب‌های هوشمندانه است. مخاطب با بسیاری از سرمشق‌ها و قطعات خوش‌نویسی استاد فروزنده به خوبی ارتباط برقرار می‌کند. وقتی نزدیک به یکصد قطعه و سرمشق اصلی او را ساعت‌ها مطالعه می‌کردم، به‌عنوان علاقه‌مند خوش‌نویسی به خود می‌گفتم که چرا تاکنون با این اشعار پرمغز و پرمعنی کمتر برخورد داشته‌ام. به‌همین دلیل، جاذبه شعری آن‌ها در درجه اول مرا در کام خود می‌کشید.

به‌طور حتم، این احساسی است که هر خوش‌نویس و هر مخاطب عام در مواجهه با کارهای فروزنده می‌تواند داشته باشد. انتخاب‌های سنجیده فروزنده برای قطعات خوش‌نویسی یکی از شکرده‌های زیباشناختی در کارهای اوست؛ خوش‌نویسی معناگرا که همواره با اعتقاد به مضمون مورد نظر خود می‌نویسد. در اصل باید فروزنده را جزء آن نسل از خوش‌نویسان تقسیم‌بندی کنیم که بین استادان پیش‌کسوت و خوش‌نویسان جوان به‌عنوان حلقه‌ی واصل عمل کرده است. قطعات ایشان از نظر فنی تلفیقی از شیوه استاد حسین میرخانی و مطالعه مستمر خوش‌نویسان معاصر از جمله استاد امیرخانی را به نمایش می‌گذارد. آنچه می‌توانیم از مطالعه قطعات استاد فروزنده که تقریباً در یک دهه گذشته نگاشته است برداشت کنیم، این است که او در این مرحله مقلد نیست بلکه به استقلال می‌نویسد. به واقع، آنچه او از آن گریزان است مقلد بودن صرف است؛ او حتی در مواردی که

نیز به اهالی خط ارائه گردیده و به هر حال، نمونه امضای خوش‌نویسی شناخته‌شده استاد فروزنده در بین هنرمندان خوش‌نویس به‌شمار می‌رود. امیدواریم ایشان توفیق تکرار کارهای از این دست را در تلاش‌های هنری خود فراهم آورند. انتظار از استاد فروزنده در عرصه خوش‌نویسی برای نگارش آثار پربار برآورده شده است؛ خوش‌نویسی که در کنار کار تعلیم و تدریس و اداره انجمن بزرگ خوش‌نویسان اصفهان و عضویت در شورای عالی انجمن خوش‌نویسان ایران، آثار قابل قبول و فاخر نیز ارائه کند، فقط هنرمندی عاشق است؛ زیرا هیچ‌کدام از مؤلفه‌های یادشده به نفع دیگری عقب‌نشینی نمی‌کند. خوش‌نویس در چنین شرایطی فقط باید با از خودگذشتگی هم هنر خویش را در حد کمال مورد نظر خود حفظ کند و هم به نیازهای محیطی و اجتماعی‌اش پاسخ دهد. در جدول بالا مختصات فنی در خوش‌نویسی استاد فروزنده را مرور می‌کنیم.

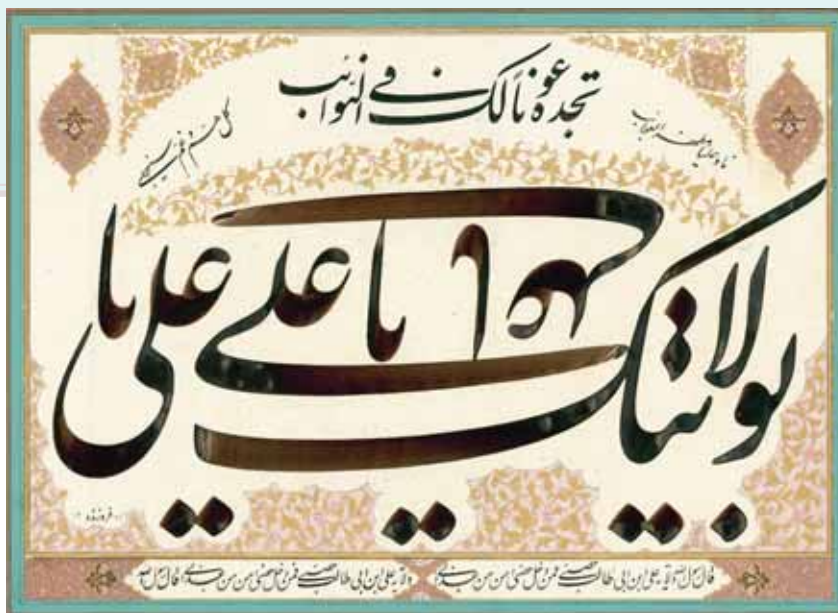
✱ روش کاری

روش کار استاد فروزنده در خط، تمرکز و استمرار در نگارش‌های چندباره و شاید صدباره قطعات و کتابت‌هاست. البته این روش کاری، شیوه شناخته‌شده عموم خوش‌نویسان حرفه‌ای و عمیقاً با ذات هنر خوش‌نویسی نیز سازگار و همخوان است. فروزنده با تمرین و تکرار سعی می‌کند تمام زیبایی‌های نهفته در حروف و کلمات و چیدمان آن‌ها را از سنبله بیرون بکشد و به بیننده آثار خود تقدیم کند. تکرارهای او از نوع تکرارهای بی‌ملال است. او دیوان حافظ را بنا به گفته خودش چهار





سیاه‌مشق نستعلیق، محمدعلی فروزنده



ترکیب‌بندی نستعلیق، محمدعلی فروزنده، ۱۳۷۱

دیگر به خانواده و سرشت فرد معلم بستگی دارد و اینکه به کار و بچه‌ها عشق بورزد و این مهم‌ترین کار است. به اشاره عرض می‌کنم سال اول تحصیل در میدان خراسان خانه‌ای گرفتم. در آن زمان در محضر استاد سیدحسن میرخانی بودم. می‌رفتم از بهارستان کاغذ می‌خریدم. همه‌اش در حال تمرین بودم و یکسره می‌نوشتم. صاحب‌خانه‌ای داشتم و یک روز که آمده بود متعجب بود از این کار من که این همه تمرین می‌کنم!^{۱۱}

❁ جمع‌بندی

تحلیل اثرگذاری هنری استاد مهدی فروزنده تابعی از شرایط اجتماعی است. به این ترتیب که او در کنار خدمت اداری و پیش‌بردن فعالیت‌های انجمن خوش‌نویسان اصفهان به قول خودش «از سالی که آمده، همه کارها را با هم انجام داده است.»^{۱۲} این نکته به این مفهوم است که تحلیل آثار او نیز باید با در نظر داشتن این متغیرها انجام شود. فروزنده در پاسخ به این سؤال که بعد از سه دهه کار جدی، آیا رضایت از خوش‌نویسی برایش فراهم شده است یا خیر، صادقانه می‌گوید:

به تکرار قطعات دیگران می‌پردازد سعی می‌کند قبل از آنکه مقلد باشد محقق نیز باشد و اثر امضا و شیوه خود را منعکس کند.

❁ دیدگاه‌های هنری و تربیتی

فروزنده به خاطر داشتن سی سال تجربه معلمی دیدگاه‌های هنری خود را در ملازمت با کار معلمی بیان می‌کند. نظرات او برای معلمان و مدرسان خط و هنر درس‌آموز است:

«به نظر من هر کسی باید خودش، خود را تغذیه کند و این نکته به پند و اندرز نیست. الان معلمی در همه رشته‌ها علاقه می‌خواهد. اگر این‌طور نباشد، در همه ساعت‌ها اذیت می‌شود. من در دوره‌ای که در راهنمایی تدریس می‌کردم در «میدان کهنه اصفهان» تمام بچه‌های شیطان و پرانرژی جمع بودند. در کار تدریس فقط علاقه‌ای را که به خط داشتم به آن‌ها منتقل کردم و آن‌ها هم به خط علاقه‌مند شده بودند. همین که معلم هنر به معلمی هنر علاقه‌مند باشد کافی است. این

«هنوز هم حاصل نشده ولی از خودم و از زحماتی که کشیده‌ام راضی هستم. من اگر بیشتر تشویق می‌شدم کارم بهتر می‌شد. در صورتی که من در کنار یک کار سخت و پرمشغله اداری دارم این کارهایم را انجام می‌دهم.»^{۱۳}

اشاره او به تشویق بیشتر ناشی از توجهی است که به‌طور معمول به نورچشمی‌ها در مرکز تهران انجام می‌شود. شاید در زمانی که او با قلم‌های درشت و پارویی به کار نگارش قطعات و ترکیب‌بندی‌های می‌پرداخت و هم‌زمان دیوان حافظ را نیز با قلم یک میلی‌متری کتابت می‌کرد، می‌توانست مورد توجه بیشتر انجمن خوش‌نویسان مرکز قرار گیرد. به‌طور معمول، سازوکار حاکم در انجمن خوش‌نویسان در برخی موارد با بهره گرفتن «یک رأی» از اعضای خویش محدود می‌شود یا اینکه حداقل به «استفاده زمان‌دار و تقویمی» از افراد می‌انجامد. فروزنده از این نحوه مواجهه درد دل‌هایی دارد. او بخشی از این گله‌ها را با نگارنده در میان نهاد اما به خاطر مصلحت بزرگ‌تر، یعنی حفظ و حراست و صیانت از هنر خوش‌نویسی، به این گله‌گذاری‌ها هیچ‌گاه بازتاب اجتماعی نداده است.

بدیهی است که اولیای امر خوش‌نویسی باید وقوف داشته باشند که در پشت صحنه، عملکرد آن‌ها کاملاً مورد توجه قرار می‌گیرد. امروز آثار خوش‌نویسی و جدی مهدی فروزنده در شمار آثار کلاسیک خط به‌شمار می‌آیند. تمام این آثار در تنگنای قالب‌های معمولی خط نستعلیق (کتابت، دفتری، چلیپا و ترکیب‌بندی) با تحمل سختی‌های نگارش در این نوع قالب‌ها نوشته شده است. بنابراین، نقد و تحلیل آثار باید با رعایت این قیود و دل‌ندادن خوش‌نویس به رهانویسی و آزادنویسی مورد توجه قرار گیرد.

فروزنده در نگارش قطعات خود زیبایی و شیوایی را با هم مد نظر دارد. قطعات او رسا و خوانا هستند و معنی را به خوبی به بیننده آثارش منتقل می‌کنند. این آثار به محض خوانده شدن معنی را

نیز به خواننده می‌رسانند. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که شماری از آثار خوش‌نویسی در بند معنی‌رسانی و خوانایی نیستند ولی خوش‌نویسان آن‌ها از خواننده خود می‌خواهند که آن‌ها را در شمار آثار کلاسیک قلمداد کنند؛ بی‌آنکه توجه داشته باشند که این نوع آثار فاقد اصل خوانایی و رسایی هستند.

نگاه اجتماعی فروزنده در اعتلای خط اصفهان و فاصله گرفتن از نگاه‌های صرف فردی مغتنم است. استاد فروزنده به پیشینه خوش‌نویسی شهر و دیار خویش افتخار می‌کند. او با عشق و ارادت ویژه‌ای از «خوش‌نویسی معاصر اصفهان» با حضور بیش از بیست استاد خوش‌نویس یاد می‌کند و بر این باور است که با این پشتوانه، چراغ خوش‌نویسی در اصفهان همواره فروزان و دیده‌گشا خواهد بود. بررسی ابعاد گوناگون در قطعات استاد فروزنده بیننده را با خوش‌نویسی روبه‌رو می‌کند که توانایی ترجمه شیوه‌های معاصران و قدما را در خود جمع کرده است. در عین حال، شاید در نقد این توانایی بتوان گفت استاد فروزنده در خوان آخر تحلیل و تحقیق شیوه‌ها، باید در مستقر کردن شیوه معیار مورد نظر و نهایی خود اندیشه کند اما اصل مهم این است که بنیان شیوه‌ای که می‌تواند خط فروزنده را نمایندگی کند، از ترکیب و تلفیق و حسن اقتباس معاصرین و قدما و دخل و تصرف‌های خود او انسجام یابد. فروزنده با گلگشت در شیوه‌های مختلف نشان داده که این توانایی را در آخرین مرحله کار داراست. باید به انتظار نشست و از افق‌های تازه زیبایی‌شناسی در کار استاد فروزنده لذت برد.

قطعات او رسا و خوانا هستند و معنی را به خوبی به بیننده آثارش منتقل می‌کنند. این آثار به محض خوانده شدن معنی را نیز به خواننده می‌رسانند

پی‌نوشت‌ها

۱. موارد ۱ تا ۷ گفت‌وگوی کاوه تیموری با استاد مهدی فروزنده ۱۳۹۴/۶/۲۸
۲. گفت‌وگوی نگارنده با احمد احمدی ۱۳۹۳/۱۰/۱۰
۳. گفت‌وگوی نگارنده با علی خیری ۱۳۹۴/۸/۶
۴. گفت‌وگوی نگارنده با استاد مهدی فروزنده ۱۳۹۴/۶/۲۸
۵. همان
۶. همان
۷. همان

منبع

۱. گفت‌وگوی کاوه تیموری با استاد مهدی فروزنده ۹۴/۶/۲۸